شفاعت چیست؟

مرتضی مطهری

بسم الله الرحمن الرحیم

شفاعت چیست ؟

نویسنده:

مرتضی مطهری

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

شفاعت چیست؟

مشخصات کتاب

مولف:مرتضی مطهری

مقدمه

یکی از مباحثی که در بحث عدل الهی باید طرح و بحث و تحقیق شود بحث «شفاعت» است. درباه شفاعت: مشاجرات و گفتگوهایی هست و مخصوصا پس از ظهور کیش «وهابیت» بازار گرمتری پیدا کرده است کیش وهابیت منسوب به محمد بن عبدالوهاب است و هم اکنون تقریبا مذهب رسمی دولت صعودی بشمار می رود؛ کیشی است که به نحوی بسیار سطحی و قشری دم از توحید در پرستش می زند و به همین جهت بسیاری از معارف دقیق و عالی اسلام را منکر است توحیدی که وهابیها طرفدار آن هستند مانند توحید اشاعره با بسیاری از اصول اسلامی مخالف است.

ایراد و اشکال

چنانچه به عنوان ایراد بر شفاعت گفته شده و یا می توان گفت از این قرار است: .۱ شفاعت با توحید در عبادت منافات دارد و اعتقاد به آن نوعی شرک است. این همان اشکالی است که وهابیها مطرح می کنند و جمعی وهابی مسلک در میان شیعه نیز فریفته آن شده اند. [۱] . .۲ شفاعت نه تنها با توحید در پرستش نمی سازد بلکه با توحید ذاتی نیز ناسازگار است زیرا لازمه اعتقاد به شفاعت این است که رحمت و شفقت شفیع، بیشتر و وسیعتر از رحمت خدا دانسته شود چه، مفروض این است که اگر شفاعت نباشد خدا گناهکار را عذاب می کند. .۳ اعتقاد به شفاعت موجب تجری نفوس مایل به گناه، بلکه موجب تشویق آنها به ارتکاب گناه است. .۴ قرآن کریم شفاعت را باطل شناخته و مردود دانسته است قرآن روز رستاخیز را چنین معرفی می کند: در آن روز هیچکس از دیگری دفاع نمی کند و شفاعتی هم در کار نیست. [۲] . .۵ شفاعت

با اصلی که قرآن کریم تاسیس فرموده و سعادت هر کسی را وابسته به عمل خودش دانسته و فرموده: و ان لیس للانسان الا ما سعی [۳] . منافات دارد. .۶ لازمه صحت شفاعت این است که معتقد شویم خدا تحت تاثیر شفیع قرار می گیرد و خشمش تبدیل به رحمت می گردد در حالی که خدا انفعالی پذیر نیست تغییر حالت بر او راه ندارد و هیچ عاملی نمی تواند در او اثر بگذارد تغییر پذیری مخالف وجوب ذاتی ذات الهی است. .۷ شفاعت یک نوع استثنا قائل شدن و تبعیض و بی عدالتی است در حالی که در دستگاه خدا بی عدالتی وجود ندارد به تعبیری دیگر شفاعت، استثناء در قانون خداست و حال آنکه قانونهای خدا کلی و لایتغیر و استثناء ناپذیر است ولن تجد لسنه الله تبدیلا. [۴] . این اشکال است که بحث شفاعت را با عدل الهی مرتبط می سازد و از همین نظر است که مساله شفاعت یکی از مباحث کتاب حاضر قرار داده شد. توضیح اشکلال این است که مسلما شفاعت شامل همه مرتکبین جرمی نمی گردد زیرا در این صورت دیگر نه قانون معنی خواهد داشت و نه شفاعت طبیعت شفاعت ملازم با تبعیض و استثناء است ایرادهم از همین راه است که چگونه رواست که مجرمین به دو گروه تقسیم گردند یک عده به خاطر اینکه پارتی دارند ازچنگال کیفر بگریزند و عده ای دیگر به جرم اینکه پارتی ندارند گرفتار کیفر گردند؟ ما در میان جوامع بشری جامعه هایی را که قانون در آن دستخوش پارتی بازی است فاسد ومنحط و فاقد عدالت می شمریم چگونه ممکن است در دستگاه الهی

معتقد به پارتی بازی شویم؟! در هر جامعه ای که شفاعت هست عدالت نیست.

ضعف قانون

تأثیر عوامل سه گانه: «پول» و «پارتی» و «زور» در یک جامعه نشانه ناتوانی و ضعف قانون است وقتی قانون ضعیف باشد طبعا نمی تواند بر اقویا و زورمندان چیره گردد خود را فقط به ضعفا نشان می دهد قانون ضعیف مجرمین ضعیف را به تله می اندازد وبه پای میز مجازات می کشاند ولی از تله انداختن زورمندان مجرم عاجز می ماند. قرآن مقررات الهی را قوانین نیرومند و قوی معرفی می کند و تاثی «پول» و «پارتی» و «زور» را در محکمه الهی نفی می نماید در قرآن از پول به عنوان «عدل» (از ماده «عدول»، زیرا وقتی که به عنوان رشوه داده شود سبب عدول و انحراف از حق و حقیقت می گردد یا از «عدل» به معنی «عوض» و «معادل») و از پارتی به عنوان «شفاعت» و از زور به عنوان «نصرت» یاد شده است در سوره بقره آیه ۴۸ چنین می خوانیم: و اتقوا یوما لا تجزی نفس عن نفس شیئا و لا یقبل منها شفاعه و لا یوخذ منها عدل و لا هم ینصرون. «پروا داشته باشید از روزی که هیچکس از دیگری دفاع نمی کند و شفاعت هم پذیرفته نیست و از کسی هم پولی به عنوان جرم و معادل آن گرفته نخواهد شد و نصرت وی یاری کردن امکان ندارد». یعنی نظام جهان آخرت همچون نظام اجتماعی بشر نیست که گاهی انسان برای فرار از قانون به پارتی با پول متوسل شود و گاهی قوم و عشیره خود رابه کمک بطلبد و آنان در برابر مجریان قانون اعمال قدرت کنند. در صدر اسلام

قانون در اجتماع مسلمین قوی بود گریبان نزدیکان و خویشان زمامداران را نیز می گرفت. وقتی که علی (علیه السلام) مطلع شد که دخترش از بیت المال مسلمین گلوبندی را به عنوان عاریه البته با قید ضمانت گرفته و در روز عید از آن استفاده کرده است او را سخت مورد عتاب خویش قرار داد و با لحنی کاملا جدی فرمود: اگر نبود که آنرا به صورت عاریه مضمونه یعنی با قید ضمانت گرفته ای دستت را می بریدم یعنی درباره تو حد سارق را اجرا می کردم. [۵] . هم ایشان وقتی که ابن عابس پسر عمو و یاور دانایشان مرتکب خلافی شد نامه به او نوشتند و او را مورد سخت ترین حملات خویش قرار دادند به وی نوشتند: «اگراز خلاف خوش بازنگردی با شمشیرم تو را ادب خواهم نمود، همان شمشیری که احدی را با آن نزده ام مگر اینکه وارد جهنم شده است». یعنی می دانی که شمشیر من جز بر دوزخیان فرود نمی آید و این کار تو تو را دوزخی و مستحق شمشیر من ساخته است.سپس برای اینکه بفهماند عدالت او درباره هیچکس استثناء بردار نیست می فرماید: «به خدا قسم اگر حسن و حسین (علیهما السلام) هم مرتکب این جرم می شدند با آنان ارفاق نمی کردم». [۶] . صدر اسلام است و مجری قانون هم امیرالمومنین است تعجبی ندارد؛ اگر می خواهید بدانید دستگاهی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به جریان انداخته بود تا کجا به حرکت آمده بود و چه اشخاصی را زیر مهمیز عدالت می کشید به داستان ذیل توجه کنید: عمروعاص از طرف عمر حاکم مصر بود؛ روزی پسر عمروعاص به

صورت یکی ار رعایا سیلی زد، ستمدیده به نزد عمروعاص رفته شکایت کرد ولی وی ترتیب اثر نداد این مرد غیور حرکت کرد به مدینه و نزد عمر آمد و عرض حال داد عمر، عمرو عاص و پسرش را احضار و محاکمه نمود. در این محاکمه یك جمله تاریخی از عمر نقل شده است خطاب به عمرو عاص و پسرس گفت: متی استعبدتم الناس و قد ولدتهم امهاتم احرارا. «از کی مردم را برده خویش گرفته اید در حالیکه از مادران خوش آزاد متولد گردیده اند.» سپس دستور قصاص صادر نمود. عمر با پسر خودش نیز همینطور رفتار نمود؛ وقتی ثابت گردید پسرش شراب خورده است حد الهی را درباره او اجرا نمود. اینها عدالتی بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به مسلمین آموخته بود و مسلمین هنوز آن را فراموش نکرده بودند، و به عبارتی دیگر، چرخی بود که رسول خدا به حرکت در آورده بود و تا مدت زیادی کم و بیش به همان شکل به حرکت خود ادامه می داد.

اقسام شفاعت

حقیقت این است که شفاعت اقسامی دارد که برخی از آنها نادرست و ظالمانه است و در دستگاه الهی وجود ندارد ولی برخی صحیح و عادلانه است و وجود دارد. شفاعت غلط بر هم زننده قانون و ضد آن است ولی شفاعت صحیح حافظ و تایید کننده قانون است.شفاعت غلط آن است که کسی بخواهد از راه پارتی بازی جلوی اجرای قانون را بگیرد برحسب چنین تصوری از شفاعت محرم برخلاف خواست قانونگذار و برخلاف هدف قوانین اقدام می کند و از راه توسل به پارتی بر اراده قانون گزار و بر

خلاف هدف قوانین اقدام می کند و از راه توسل به پارتی بر آخر تغییر ممکن ایرادهایی که بر شفاعت در دنیا ظلم است و در آخرت غیر ممکن ایرادهایی که بر شفاعت می شود بر همین قسم از شفاعت وارد است و این همان است که قرآن کریم آن را نفی فرموده است. شفاعت صحیح نوعی دیگر از شفاعت است که در آن نه استثناء و تبعیض وجود دارد و نه نقض قوانین و نه مستلزم غلبه بر اراده قانونگزار است قرآن این نوع شفاعت را صریحا تایید کرده است شفاعت صحیح نیز اقسامی دارد که بزودی بشرح آن می پردازیم.

نقض قانون

اگر کسی گمان کند که تحصیل و خشنودی خدای متعال راهی دارد و تحصیل رضا و خشنودی فرضا امام حسین (علیه السلام) راهی دیگر دارد و هر یک از این دو جداگانه ممکن است سعادت انسان را تامین کند دچار ضلالت بزرگی شده است در این پندار غلط چنین گفته می شود که خدا با چیزهایی راضی می شود وامام حسین (علیه السلام) با چیزهایی دیگر خدا با انجام دادن واجبات مانند نماز، روزه، حج، جهاد، زکات، راستی، درستی، خدمت به خلق، بر به والدین و امثال اینها و با ترک گناهان از قبیل دروغ ظلم غیبت، شرابخواری و زنا راضی می گردد ولی امام حسین (علیه السلام) با این کارها کاری ندارد. رضای او در این است که مثلا ـ برای فرزند جوانش علی اکبر (علیه السلام) گریه و یا لااقل تباکی کنیم؛ حساب امام حسین از حساب خدا جداست. به دنبال این تقسیم چنین نتیجه گرفته می شودکه تحصیل رضای خدا دشوار است، زیرا باید کارهای زیادی را

انجام داد تا او راضی گردد ولی تحصیل خشنودی امام حسین (علیه السلام) حاصل گردد او در دستگاه خدا نفوذ دارد شفاعت می کند و کارها را درست می کند حساب نماز و روزه و حج و جهاد و انفاق فی سبیل الله که انجام نداده ایم همه تصفیه می شود و گناهان هر چه باشد با یک فوت از بین می رود! اینچنین تصویری از شفاعت نه تنها باطل و نادرست است بلکه شرک در ربوبیت است و به ساحت پاک امام حسین (علیه السلام) که بزرگترین افتخارش «عبودیت» و بندگی خداست نیز اهانت است همچنانکه پدر بزرگوارش از نسبتهای «غلاه! سخت خشمگین می شد وبه خدای متعال از گفته های آنها پناه می برد امام حسین (علیه السلام) کشته نشد برای اینکه العیاذ بالله دستگاهی در مقابل دستگاه خدا یا شریعت جدش رسول خدا بوجود آید راه فراری از قانون خدا نشان دهد شهادت او برای این نبوده که برنامه عملی اسلام و قانون قرآن راضعیف سازد. برعکس، وی برای اقامه نماز و زکات و سایر مقررات اسلام از زندگی چشم پوشیده به شهادت تن داد. خود حضرت در فلسفه قیامش می فرماید: و انی اخرج اشرا و لا بطرا و لا مفسدا و لا ظالما و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی ارید ان امر بالمعروف و انهی عن المنکر. [۷] . «من از روی هوس و جاه طلبی قیام نکرده ام خروج و قیام من به منظور اصلاح در امت جدم می باشد، می خواهم که به نیکی امر کنم و از بدی نهی نمایم». و ما نیز در زیارت او چنین خطاب می کنیم: «اشهد انک قد اقمت الصلوه و

اتیت الزکوه و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر و جاهدت فی الله حق جهاده و عملت بکتابه و اتبعت سنن نبیه».

حفظ قانون

اکنون ببینیم شفاعت صحیح کدام است؟ شفاعت صحیح که تایید کننده قانون و حافظ نظام است و آیات و روایات زیادی از طریق شیعه و سنی وجود آن را اثبات می کند بر دو گونه است: .۱ شفاعت «رهبری» یا شفاعت «عمل». .۲ شفاعت «مغفرت» یا شفاعت «فضل» نوع اول شفاعتی است که شامل نجات از عذاب و نیل به حسنات وحتی بالا رفتن درجات می باشد و نوع دوم شفاعتی است که تاثیر آن در از بین بردن عذاب و در مغفرت گناهان است و حداکثر ممکن است سبب وصول به حسنا و ثوابها هم بشود ملی بالابرنده درجه شخصی نخواهد بود و این همان است که درباه آن رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده است: ادخرت شفاعیت لاهل الکبائر من امتی اما المحسنون فما علیهم من سبیل. [۸] . «من شفاعتم را برای گنهکارانی از امت که مرتکب گناه کبیره شده اند ذخیر کرده ام امام نیکوکاران مورد مواخذه قرار نمی گیرند.»

شفاعت رهبری

برای توضیح این نوع از شفاعت لازم است مطلبی را که در بخش قبل تحت عنوان «عذاب اخروی» مورد دقت قرار دادیم به یاد آوریم در آن بحث گفتیم که اعمال و کردارهایی که انسان در دنیا مرتکب می گردد در جهان دیگر تجسم و تمثل پیدا می کنند و حقیقت عینی آنها جلوه گر می شود اکنون می افزاییم که در آخرت نه تنها اعمال، تجسم پیدا می کنند «روابط» نیز مجسم می گردد؛ روابط معنوی ای که در این جهان از بین مردم برقرار است در آن جهان صورت عینی و ملکوتی پیدا می کنند زمانی که یک انسان سبب هدایت انسانی دیگر می شود رابطه رهبری و پیروی در میان

آنان در رستاخیر به صورت عینی در می آید و «هادی» به صورت پیشوا و امام و «هدایت یافته» به صورت پیرو و مامون ظاهر می گردد در مورد گمراه ساختن و اغواء هم همینطور است. قرآن کریم می فرماید: یوم ندعوا کل اناس باماهم. [۹] . «روزی که هر مردمی را با پیشوای ایشان می خوانیم». یعنی هر کسی با پیشوای خودش یعنی با همان کسی که عملا الگوی او و الهام بخش او بوده است محشور می گردد. درباره تجسم پیشوایی فرعون نسبت به قوم خود در آخرت می فرماید: یقدم قومه یوم القیامه فاوردهم النار. [۱۰] . «فرعون پیشاپیش اتباع و پیروانش حرکت می کند پس در آتش واردشان می سازد». فرعون که در این جهان، گمراه و پیشوای گمراهان بوده و گمراهان دیگر قومش گام جای گام او می گذاشتند در آن جهان نیز به صورت قائد وامام آنان مجسم می شود فرعون شفیع و واسطه قوم خود می باشد هم در دنیا و هم در آخرت شفیعی است که در دنیا موجب گناهان و ضلالتها بوده است و در آخرت واسطه رسانیدن به دوزخ و آتش شفیع و واسطه قوم خود می باشد هم در دنیا و هم در آخرت شفیعی است که در دنیا موجب گناهان و ضلالتها بوده است و در آخرت واسطه رسانیدن به دوزخ و آتش شفیع و واسطه بودن او در بردن قوم به دوزخ در جهان آخرت همانا تجسم واسطه بودن او در جهان دنیا در گمراهی قومش است. نکته جالب در تعبیر قرآن این است که می فرماید فرعون قوم خود را در آن جهان وارد دوزخ می سازد قرآن با این تعبیر خود تجسم تاثیر فرعون

را در گمراهی پیروانش گوشزد می کند و می گوید همانطور که در دنیا فرعون آنها را وارد گمراهی کرد در آخرت آنها را وارد دوزخ می کند؛ بلکه وارد کردن آنها به دوزخ در آن جهان عینا ظهور و تجسم وارد کردن آنها در گمراهی در این جهان است. البته روشن است که همانطوری که در این جهان هریک از رهبری حق و باطل انشعابات و تقسیماتی دارد درجهان دیگر هم چنین خواهد بود مثلا همه کسانی که از نور هدایت رسول اکرم استضائه کرده اند و از شریعت آن وجود مبارک بهره مند شده اند به دنبال او خواهند بود و او جانهای ما نثار قدمش پرچمدار نیکوکاران است که در قیامت «پرچم سپاس» (لواء الحمد) را دست دارد. در این معنی شفاعت است که رسول اکرم (علیه السلام) شفیع امیرالمؤمنین (صلوات الله علیهم) و حضرت زهرا (سلام الله علیها) می باشد و آنها شفیع حسنین (علیهما السلام) و هر امامی شفیع امام دیگر و شفیع امام دیگر و شفیع شاگردان و پیروان خویش است؛ سلسله مراتب محفوظ است، سایر معصومین (علیه السلام) هر چه دارند به توسط رسول اکرم صلی الله علیه و آله دارند. و در همین حساب است که حتی علما از کسانی که مورد تعلیم و هدایت ایشان قرارگرفته اند شفاعت می کنند یک سلسله مرتبط و پر انشعابی بوجود می آید که گروههای کوچک به بزرگ تر می پیوندند و در راس سلسله حضرت رسول اکرم پیشاپیش همه می شتابد. قسیم جسیم و سیم بسیم شفیع مطاع نبی کریم روان از پیش دلها جمله از پی گرفته دست جانها دامن وی اوشفیع است این جهان و آن جهان

این جهان در دین و آنجا در جنان این جهان گوید که تو ره شان نما آن جهان گوید که تو مه شان نما پیشه اش اندر ظهور و در کمون اهد قومی انهم لا یعلمون باز گشته از دم او هر دو باب در دو عالم دعوت او مستجاب بهر این خاتم شده است او که به وجود مثل او نی بود و نی خواهند بود صد هزاران آفرین بر جان او بر قدوم و دور فرزندان او آن خلیفه زادگان مقبلش زاده اند از عنصر جان و دلش گر ز بغداد و هری یا از ری اند بی مزاج آب و گل نسل وی اند شاخ گل هر جامی می روید گل است خم مل هر جا کی می جوشد مل است. گر ز مغرب بر زند خورشید سر عین خورشید است نی چیز دگر علت اینکه در روایات داریم که امام حسین (علیه السلام) از خلق کثیری شفاعت می کند این است که در این جهان مکتب امام حسین (علیه السلام) بیش از هر مکتبی موجب احیاء دین و هدایت مردم شده است. همانطور که قبلا گفته شد شفاعت امام حسین (علیه السلام) به این صورت نیست که برخلاف رضای خدا و اراده او چیزی را از خدا بخواهد شفاعت او دو نوع است یک نوع آن همین هدایتهایی است که در این جهان ایجاد کرده است و در جهان دیگر مجسم می شود و نوع دوم آن را عن قریب بیان می کنیم. امام حسین (علیه السلام) شفیع کسانی است که از مکتب او هدایت یافته اند او شفیع کسانی نیست که مکتبش را وسیله گمراهی ساخته اند. از این نکته نباید غفلت

ورزید که همانطوری که از قرآن کریم گروهی هدایت یافته اند و گروهی گمراه شده اند از مکتب امام حسین (علیه السلام) نیز گروهی هدایت یافته اند و گروهی گمراه گشته اند و این مربوط به خود مردم است. خدا درباره مثلهای قرآن می فرماید: یضل به کثیرا و یهدی به کثیرا و ما یضل به الا الفاسقین. [۱۱] . «به سبب قرآن، گروهی را گمراه می سازد و گروهی را هدایت می کند و جز بدکاران را گمراه نمی سازد.» ملای رومی تمثیل علی و زیبایی برای این طلب آورده است، می گوید: از خدا می خواه تازین نکته ها در نلغزی و رسی درمنتها زانکه از قرآن بسی گمره شدند زین رسن قومی درون چه شدند مر رسن نست جمعی ای عنود چون تو را سودای سربالا نبود رسن یعنی ریسمان، طناب هم می شود از چاه بیرون آید هم می شود به درون چاه رفت تا کدام را انتخاب کنیم. قرآن و مکتب حسینی ریسمانهایی هستند که قدرت دارند بشر را از چاه نگون بختی به اوج سعادت بالا ـ برند یکی حبل من الله و دومی حبل من الناس است ولی اگر کسی از این دو حبل الهی سوء استفاده نمود جرم از ریسمان نیست علت این است که او در سر سودای بالا ـ رفتن نداشته است و البته چنین مردمی به وسیله قرآن و مکتب حسینی به قعر دوزخ برده می شوند و این حقیقت در جهان دیگر چنین مجسم می گردد که به فرمان قرآن و امام به دوزخ افکنده می شوند و این است معنی قسم الجنه و النار بودن. ان القرآن شافع مشفع و ما حل مصدق. [۱۲] . «قرآن شفیعی است که شفاعتش پذیرفته

است و سعایت کننده ای است که سعایتش پذیرفته می شود.» حقیقتا تعبیر عجیبی است می فرماید: قرآن کریم هم شفیع مومنان و نیکوکاران است به بهشت سعادت و هم خصم کافران و مجرمان است به سوی دوزخ واسطه ای است که آنان را به بهشت برین و اینان را به دوزخ می کشاند. این نوع از شفاعت را شایسته است شفاعت رهبر بنامیم و می توان آن را شفاعت «عمل» نامید؛ زیرا عامل اساسی ای که در اینجا موجب نجات یا بدبختی گردیده است همان عمل نیکوکار و بد کار است. روشن است که هیچ یک از اشکالات شفاعت بر این گونه از شفاعت که شرح داده شد وارد نیست و مخصوصا شفاعت به این معنی با «عدل الهی» به هیچ وجه منافات ندارد بلکه موید آن است.

شفاعت مغفرت

دومین نوع شفاعت وساطت در مغفرت و عفو و بخشیدن گناهان است این معنای از شفاعت است کآماج اشکالها و ایرادهای منتقدین و منکرین قرار گرفته است ولی با توضیحی که به خواست خدا در این کتاب درباره آن داده می شود روشن می گردد که نه تنها ایرادی بر آن وارد نیست بلکه از معارف عالي و گرانقدر اسلام است و مبنای خاصی دارد که عمق معارف اسلامی را می رساند.

جاذبه رحمت

مقدمتا باید به این نکته توجه کنیم که به سعادت علاوه بر جریان اعمال و گامهایی که خود انسان بر می دارد یک جریان دیگری نیز همیشه در جهان است و آن جریان رحمت پروردگار است در متون دینی آمده است: یا من سبقت رحمته غضبه. «ای کسی که رحمت او بر غضبش تقدم دارد» حافظ در غزل معروف خود می گوید: مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو گفتم ای بخت بخسبیدی و خورشید دمید گفت با اینهمه از «سابقه» نومید مشو مقصود از سابقه سبقت رحمت پروردگار است ممکن هم هست که مقصود او چیزی دیگر باشد که در آیه کریمه: ان الذین سبقت لهم منا الحسنی اولئك عنها مبعدون [۱۳] . بدان اشاره شده است. به هر حال این واقعیتی است که در نظام هستی اصالت از آن رحمت و سعادت و رستگاری است و کفرها و فسقها و شرور عارضی و غیر عارضی و غیر اصیل می باشند و همواره آنچه که عارضی است به سبب جاذبه رحمت تا حدی که ممکن است برطرف می گردد وجود امدادهای غیبی و تاییدات رحمانی کی از شواهد

غلبه رحمت بر غضب است مغفرت پروردگار و زایل ساختن عوارض گناه که دیگر از شواهد تسلط رافت و مهربانی او بر غضب و قهر می باشد.

اصل تطهیر

در نظام هستی یکی از جلوه های رحمت الهی نمود تطهیر است دستگاه آفرینش دارای خصیصه شستشو و تطهیر است اینکه دریاها و گیاهان گاز انیدرید کربنیک هوا را می گیرند و جو را تصفیه می کنند یکی از مظاهر تطهیر است اگر هوایی که به وسیله تنفس موجودات زنده و احتراق مواد سوختی آلوده شده است به وسیله پالایشگاه گیاهان و دریا پاک نمی شد جو زمین در مدت کوتاهی صلاحیت زیستن را از دست می داد زیرا تنفس در آن غیر ممکن می گشت تجزیه لاشه های حیواناتی که می میرند و همچنین تجزیه زوائی که از موجودات زنده دفع می گردد یک نمونه دیگر از پالایش و تطهیر آفرینش است. همین گونه که در مادیات و قوانین عالم طبیعت مظاهری از تطهیر و تصفیه وجود دارد در معنویات هم مصادیقی از برای تطهیر و شستشو یافت می شود مغفرت و محو عوارض سوء گناه از این قبیل است. «مغفرت» عبات است از شستشو دادن دلها و روانها تا حدی که قابل شستشو باشند از عوارض و آثار گناهان. البته بعضی از دلها قابلیت خود را از برای پاکیزه شد آنچنان از دست می دهند که دیگر با هیچ آبی تطهیر نمی پذیرند.آنها گویی تبدیل به عین نجاست شده اند کفر و شرک نسبت به خدا وقتی که در دل استقرار پیدا کند دل را از قابلیت تطهیر خارج می سازد استقرار کفر در دل در لسان قرآن کریم «مهر زده شدن دل» و «طبع و ختم الهی»

نامیده شده است.

اصل سلامت

از شواهد غلبه رحمت بر غضب در نظام هستی این است که همواره درجهان اصالت از آن سلامت و صحت است و مرضها وبیماریها استثنائی و اتفاقی اند در ساختمان هر موجود زنده قدرتی نهفته است که به نفع سلامت و او فعالیت می کند و از هستی او حمایت می نماید و وگلبولهای سفید در خون با قدرت دفاعی عجیبی که دارند شاهد این مدعاست خاصیت ضران کنندگی و ترمیم کنندگی در بدن موجودات زنده شاهدی دیگر است شکستگی استخوان پارگی زخم، کمبود مواد غذایی، به وسیله فعالیتی درونی موجود زنده جبران می گردد. از لحاظ فطرت دینی هر نوزادی با فطرت پاک به دنیا می آید: کل مولود یولد علی فطره حتی یکون ابواه یهودانه او ینصرانه. [۱۴] . «نوزاد به فطرت پاک زاییده می شود لیکن پدر ومادر ممکن است او را یهودی یا نصرانی کنند.» در سرشت هر موجودی که از مسیر اصلی خود منحرف گردیده است کششی وجود دارد که او را بسوی حالت اولیه باز می گرداند به اصطلاح فلاسفه در هر طبیعت که گرفتار قسرگردد میلی برای رجعت به حالت طبیعی پدید می آید یعنی همیشه در جهان نیروی گریز از رحمت بر غضب است. وجود مغفرت نیز از همین اصل ناشی می شود.

رحمت عام

اصل مغفرت یک پدیده استثنایی نیست یک فرمول کلی است که از غلبه رحمت در نظام هستی نتیجه شده است از اینجا دانسته می شود که مغفرت الهی عام است و همه موجودات را در حدود امکان و قابلیت آنها فرامی گیرد. این اصل در فوز به سعادت و نجات از عذاب برای همه رستگاران موثر است لهذا قرآن کریم می فرماید:

«من يصرف عنه يومئذ فقد رحمه. [۱۵] . «هر کس که در آن روز از عذاب خدا نجات یابد مشمول رحمت خدا قرار گرفته است». یعنی اگر رحمت نباشد عذاب از احدی برداشته نمی شود. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در خطبه ای که در اواخر عمر شریفشان برای مسلمین ایراد فرمودند این نکته را گوشزد فرمودند که برای نجات و رستگاری دو عامل و دو رکن اساسی وجود دارد عمل و رحمت. قسمتی از آن خطبه این است: ایها الناس انه لیس بین الله و بین احد نسب و لا امر یوتیه به خیرا او یصرف عنه شر الا العمل لا یدعین مدع و لا یتمنین ممتمن و الذی یعثنی بالحق و لا ینجی الا عمل مع رحمه و لو عثیت لهویت اللهم هل بلغت؟ [۱۶] . ای مردم بین خدا و هیچکس رابطه خویشاوندی نیست و هیچ رابطه دیگری هم که موجب جلب منفعت یا دفع ضرر شود وجود ندارد جز عمل هیچکس ادعای گزاف نکند هیچکس آروزی خام در دل نپرورد قسم به خدایی که مرا به راستی برانگیخت چیزی جز عمل توام با رحمت خدا سبب رستگاری نمی گردد من خودم هم اگر گناه می کردم سقوط کرده بودم». آنگاه فرمود: «خدایا تبلیغ کردم؟» رمز مغفرت خواهی رسول اکرم (علیه السلام) و سایر انبیاء ائمه معصومین (علیهم السلام) نیز در همان عمومیت و شمول اصل مغفرت است و در حقیقت می توان گفت که هر کس مقرب تر است از این اصل بیشتر استفاده می کند و بطور کلی هرکس قبرش بیشتر است از اسماء حسنای الهی و صفات کمال او بیشتر از دیگران استضائه می نماید.

رسول اکرم می فرماید: انه لیغان علی قلبی و انی لاستغفر الله کل یوم سبعین مره [۱۷] . «آثاری که از کدورت بر قلبم ظاهر می شود و من در هر روز هفتاد بار از خدا مغفرت می طلبم».

رابطه مغفرت و شفاعت

مغفرت الهی چه ارتباطی با شفاعت دارد؟ مغفرت الهی مانند هر رحمت دیگر دارای نظام و قانون است ما درباره نظام داشتن جهان در بخش دوم این کتاب مفصلا بحث کردیم و گفتیم که اختلاف موجودات لازمه نظام هستی است نیز گفتیم که تفاوت موجودات با یکدیگر نه قراردادی است و نه آفریده شده بلکه لازمه ذات آنها یعنی لازمه هویت آنها و نحوه وجود آنهاست نبودن این تفاوتها عین نبودن خود آنهاست و با فرض وجود آنها فرض عدم تفاوت غیر معقول است. از آنچه در آنجا بیان کردیم بخوبی دانسته می شود که امکان ندارد هیچ یک از جریانهای رحمت پروردگار بدون نظام انجام گیرد به همین دلیل مغفرت پروردگار هم باید از طریق نفوس کملین و ارواح بزرگ انبیاء و اولیاء به گناهکاران برسد و این لازمه نظام داشتن جهان است به همان دلیل که رحمت وحی بدون واسطه انجام نمی گیرد و همه مردم از جانب خدا به نبوت برانگیخته نمی شوند و هیچ رحمت دیگر هم بدون واسطه واقع نمی شود رحمت مغفرت هم بی واسطه ممکن نیست تحقق پیدا کند. اگر فرضا هیچ دلیل نقلی بر شفاعت در دست نبود ناچار بودیم از راه عقل و براهین قاطعی از قبیل برهان امکان اشرف و نظام داشتن هستی به آن قائل شویم. وقتی کسی وجود مغفرت خدا را بپذیرد مبانی محکم عقلی او را ناچار می سازد که بگوید

جریان مغفرت باید از مجرای یک عقل کلی با یک نفس کلی یعنی عقل و نفسی که دارای مقام ولایت کلیه الهیه است صورت گیرد امکان ندارد که فیض الی بیرون از قانون و حساب به موجودات برسد. ولی خوشبختانه قرآن کریم ما در اینجا نیز رهبری فرموده است با ضمیمه کردن روایات اسلامی خصوصا با توجه به آنچه در روایات معتبر و شامخ شیعه در باب پایین تر اهل ایمان رسیده است چنین استنباط می کنیم که وسیله مغفرت تنها یک روح کلی نیست بلکه نفوس کلیه و جزئیه بشری با اختلاف مراتبی که دارند هرکدام سهمی از شفاعت دارند و این یکی از مهمترین معارف اسلام و قرآن است که تنها در مذهب مقدس شیعه به وسیله ائمه اطهار و شاگردان مکتب آنها خوب توضیح داده شده است لهذا از افتخارات این مذهب شمرده می شود.

شرایط شفاعت

با توجه به اینکه شفاعت همان مغفرت الهی است وقتی به خداوند که منبع و صاحب خیرها و رحمتهاست نسبت داده می شود با نام «مغفرت» خوانده می شود و هنگامی که با وسائط و مجاری رحمت منسوب می گردد نام «شفاعت» به خود می گیرد واضح می گردد که هر شرطی برای شمول مغفرت هست برای شمول شفاعت نیز هست از نظر عقلی شرط مغفرت چیزی جز قابلیت داشتن شخص برای آن نیست اگر کسی از رحمت خدا محروم گردد صرفا به موجب قابل نبودن او است نه آنکه معاذالله در رحمت خدا محدودیت و صیقلی باشد. رحمت خدا همچون اعتبار بانکی یک بازرگان نیست که محدود باشد اعتبار رحمت الهی نامحدود است ولی قالبها متفاوتند ممکن است کسی بکلی فاقد

قـابلیت باشـد و نتوانـد از رحمت خـدا بهره ای بگیرد. از نظر متون دینی این انـدازه مسـلم است که کفر به خـدا و شـرک مانع مغفرت است. قرآن کریم می فرمایـد: ان الله لاـ یغفر ان یشـرک به و یغفر مـا دون ذلـک لمن یشاء [۱۸] . «خدا شـرک را نمی آمرزد و آنچه پـایین تر از شـرک است برای هر کس که بخواهـد می بخشـد». اگر ایمـان از دست برود رابطه انسان با مغفرت یکبـاره بریـده می شود ودیگر بهر برداری از این لطف عظیم امکـان نخواهـد داشت. زمـانی که بر دل آدمی مهر کفر زده شـد مانند شـرف دربسته ای می گردد که اگر در همه اقیانوسهای جهان فروبرده شود قطره ای آب به درون آن نخواهد رفت وجود چنین فردی همچون شوره زاری می گردد که آب رحمت حق در آن بجـای گـل بو ته هـای خارپدیـد می آورد. بـاران که در لطافت طبعش خلاف نیست در باغ لاله روید ودر شورزار خس اگر در شوره زار گل نمی روید از کمبود باران نیست؛ از قابل نبودن زمین است. قرآن کریم صـعه رحمت پروردگار را از زبان حاملین عرش چنین بیان می کند: الذین یحملون العرش و من حوله یسـبحون بحمد ربهم و یومنون به و یسـتغفرون للذین آمنوا ربنا وسـعت کل شی ء رحمه و علما فاغفر للذین تابوا و اتبعوا سبیلک و قهم عذاب الجحیم. [۱۹] . «حاملین عرش وآنان که در گرد عرشند به حمد و تسبیح پروردگارشان اشتغال دارند و به وی مومنـد و برای کسـانی که ایمان دارنـد آمرزش می طلبنـد که: پروردگار را رحمت و دانش تو همه چیز را فراگرفته اسـت پس پیامر آنان را که بسوی تو باز آمده اند و

راه تو را پیروی نموده انـد و آنان را از عـذاب دوزخ حفظ فرما.» از این آیه کریمه می توان هم نامحـدود بودن رحمت خدا را فهمید و هم شرط اساسی لیاقت برای استفاده از مغفرت را. از آیات کریمه قرآن استنباط می گردد که ایمان به خدا شرط لازم و ضـروری نیل به شـفاعت و مغفرت است ولی شـرط کافی نیست هیچکس هم نمی تواند جمیع شرایط را بصورت قطعی بیان کند خدا خودش می داند و بس درآیه ای که مغفرت گناهانی دیگر غیر شـرک را نوید می دهد قید «لمن یشاء» وجود دارد و در آیات شـفاعت هم قید «و لا یشـفعون الا لمن ارتضی» [۲۰] . (شـفاعت نمی کنند مگر برای کسـی که خدا بپسندد) هست و این هر دو به یک معنی است، گویی قرآن نخواسته است که همه شرایط شمول شفاعت را بطور صریح بیان کند خواسته است قلوب را درمیان خوف و رجاء نگهدارد ازاینجا می توان فهمید که اشـکالی که می گوید عقیده به شفاعت موجب تجری است ناوارد است.

شفاعت از آن خداست

فرق اساسـی شـفاعت واقعی و حقیقی با شـفاعت باطل و نادرست در این است که شـفاعت واقعی از خـدا شـروع می شود و به گنهکـار ختـم می گردد و در شــفاعت باطـل عکس آن فرض شـده اسـت. در شــفاعت حقیقی مشــفوع عنـده یعنی خـداوند برانگیزاننده وسـیله یعنی شـفیع است و در شـفاعت باطل مشـفوع له یعنی گنهکار، برانگیزاننده او است. درشـفاعتهای باطل که نمونه آن در دنیا وجود دارد شـفیع صفت وسیله بودن را از ناحیه مجرم کسب کرده است زیرا او است که وسیله را برانگیخته و به شفاعت وادار کرده است او است که وسیله را وسیله

قرارداده است ولی در شـفاعتهای حق که نسـبت دادن آن به انبیاء و اولیاء و قربان الهی صحیح است وسیله بودن شفیع از ناحیه خداست خداست که وسـیله را وسـیله قرار داده است به عبارت دیگر: در شـفاعت غلط شـفیع تحت تاثیر مشفوع له (گناهکار) قرار می گیرد و مشـفوع عنده (صاحب قدرت) تحت تاثیر شـفیع قرار می گیرد ولی در شـفاعت صحیح بر عکس است مشفوع عنـده (صـاحب قـدرت خـدا) علت موثر در شـفیع اوست و شـفیع تحت تاثر او و به خواست او در گناهکار موثر واقع می شود سلسـله جنبان رحمت در نوع غلط شـفاعت باطل می نامیم وجود دارد و در نظام اخروی وجود ندارد ومحال است وجود داشته باشـد. ایشـان با تعمیمی که به بحث می دهنـد مساله علل ذاتی و علل اتفاقی و مساله غایات ذاتی و غایات بالعرض را طرح می کننـد و وارد بحث می شونـد که چگونه می شود دراین جهان (اختصاص به جامعه بشـری ندارد) گاهی علل اتفاقیه سرنوشـت چیزی را معین می کنـد ویـا یـک چیز از وصول به غـایت ذاتی محروم می مانـد و تنهـا به غـایت بالعرض می رسـد ولی جهان آخرت از تـاثیرات علـل اتفـاقی و غایـات عرضـی برکنـار اسـت نظر بـه اینکـه سـطح بحث خیلی بالاـست از طرح و بسـط آن خودداری می کنیم و اهـل فضل را به بیانات خود صـدر المتألهین در مواضع مختلف تفسـیرش ارجاع می کنیم. آیاتی از قرآن کریم که می گویـد امکان نـدارد شـفاعت بدون اذن خدا صورت بگیرد ناظر به همین نکته است مخصوصا در این باره تعبیری فوق العاده جالب و عجیب دارد که می فرماید: قل لله الشفاعه جمیعا [۲۱] . «بگو شفاعت تمامی مخصوص خداست.»

این آیه در کمال صراحت شفاعت و وساطت را تایید می کند و در کمال صراحت همه شفاعتها را از خدا و متعلق به خدا می داند زیرا خداست ه شفیع را شفیع قرار می دهد این آیه ممکن است تنها ناظر به شفاعتی باشد که در قیامت صورت می گیرد و به اصطلاح مربوط به «قوس صعودی» باشد ممکن هم هست که شامل مطلق واسطه ها و و ساطتهای رحمت باشد یعنی شامل «قوس نزولی» هم باشد به عبارت دیگر ممکن است شامل تمام نظام سببی و مسببی جهان باشد به هر حال از آن جهت که به شفاعت اخروی مربوط است به این معنی است که مجرم بدون خواست خدا قدرت شفیع برانگیخت ندارد و شفیع بدون اذن او قدرت دم زدن ندارد. برهان این مطلب را از لحاظ عقلی این است که در فلسفه الهی ثابت شده است که «واجب الوجود بالذات واجب من الجهات و الحیثیات است.» یعنی همانطوری که واجب الوجود در ذات خود معلولی غیر نیست در صفت و افعال خود نیز امکان ندارد تحت تاثیر علتی قرار گیرد او موثر محض است و از هیچ چیزی انفعال و تاثر پیدا نمی کند.

توحید و توسلات

از آنچه گفتیم نکته ای عالی و مهم در توحید عبادتی به دست می آید آن نکته این است که در توسل و استشفاع به اولیاء خدا اول باید تحقیق کرد که به کسی و از کسی باشد که خداوند او را وسیله قرار داده است قرآن کریم می فرماید: یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ابتغوا الیه الوسیله. [۲۲] . بطور کلی توسل به وسائل و تسبب به اسباب با توجه به

اینکه خداست که سبب را آفریده است وخداست که سبب را سبب قرار داده است و خداست که از ما خواسته است از این واسائل و اسباب استفاده کنیم به هیچ وجه شکر نیست بلکه عین توحید است در این جهت هیچ فرقی میان اسباب مادی و اسباب روحی میان اسباب ظاهری و مسببات معنوی میان اسباب دنیوی و اسباب اخروری نیست منتهای امر اسباب مادی را از روی تجربه و آزمایش علمی می توان شناخت و فهمید که چه چیز است؟ و اسباب معنوی را از طریق دین یعنی از طریق وحی و از طریق کتاب و سنت باید کشف کرد. ثانیا هنگامی که انسان متوسل می شود یا استشفاع می کند باید توجهش به خدا و از خدا به وسیله و شفیع باشد زیرا چنانکه گفتیم شفاعت واقعی آن است که مشفوع عنده شفیع برانگیخته است برای شفاعت و چون خدا خواسته و رضایت داده است شفیع شفاعت می کند برخلاف باطل که توجه اصلی شفیع است برای اینکه اثر بر روی مشفوع عنده بگذارد لهذا مجرم دراین وقت همه توجهش به شفیع است که برود با قدرت و نفوذی که در مشفوع عنده دارد او را راضی گرداند پس اگر توجه اصیل به شفیع باشد و از ناحیه توجه به خدا پیدا نشده باشد شرک در عبادت خواهد بود. فعل خدا دارای نظام است. اگر کسی بخواهد اعتناء به نظام آفرینش نداشته باشد گمراه است به همین جهت است که خدای متعال گناهکاران را ارشاد فرموده است که در خانه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) بروند و علاوه بر اینکه خود طلب مغفرت می کنند

از آن بزرگوار بخواهند که برای ایشان طلب مغفرت کند. قرآن کریم می فرماید: و لو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤوك فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحیما. [۲۳] . «او اگر ایشان هنگامی (با ارتکاب گناه) به خود ستم کردند نزد تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر هم برای ایشان طلب مغفرت می کرد خدا را توبه پذیر مهربان می یافتند.» آری به عمل صالح و تقوای فقط نمی توان تکیه کرد همانطوری که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در آخرین روزهای زندگی پاکشان فرمودند: «نجات دهنده ای نیست جز عمل و دیگر رحمت خدا».

پاسخ ایرادها

با تفسیری که از شفاعت مغفرت کردیم پاسخ ایرادهایی شفاعت به این ترتیب به دست می آید: .۱ شفاعت نه با توحید عبادتی منافات دارد و نه با توحید ذاتی زیرا رحمت شفیع چیزی جز پرتوی از رحمت خدا نیست وانبعاث شفاعت و رحمت هم از ناحیه پروردگار است (جواب اشکال اول و دوم). .۲ همانطوری که اعتقاد به مغفرت خدا موجب تجری نمی گردد و تنها ایجاد امیدواری می کند اعتقاد به شفاعت هم موجب تشویق به گناه نیست توجه به این نکته که شرط شمول مغفرت. شفاعت مشیت خدا و رضا او است روشن می کند که اثر این اعتقاد تا این اندازه است که دلها را از یأس و نومیدی نجات می دهد و همواره بین خوف و رجاء نگه می دارد. (اشکال سوم) .۳ شفاعت بر دو نوع است: باطل و صحیح. علت اینکه در برخی از آیات قرآن شفاعت مردود شناخته شده و در برخی دیگر اثبات شده است وجود دو نوع تصور از شفاعت است

قرآن خواسته است اذهان را از شفاعت باطل متوجه شفاعت صحیح بفرماید. (جواب اشکال چهارم) .۴ شفاعت با اصل عمل منافات ندارد زیرا عمل به منزله علت قابلی و رحمت پروردگار به منزله علت فاعلی است (جواب اشکال پنجم) .۵ در شفاعت صحیح تصور این که خدا تحت تاثیر قرار گیرد وجود ندارد زیرا شفاعت صحیح جریانی است از بالا به پایین. (جواب اشکال پنجم) .۶ در شفاعت و همچنین درمغفرت استثناء و بی عدالتی وجود ندارد رحمت پروردگار نامحدود است و هر که محروم است از آن جهت است که قابلیت را بکلی از دست داده است یعنی محرومیت از ناحیه قصور قابل است. (جواب اشکال هفتم)

پاورقی

[۱] عجبا در کشوری مانند ایران که کلمات نهج البلاغه در میان آنها کم و بیش مطرح است و فیلسوفانی مانند بوعلی و خواجه نصیر و صدر المتألهین در میان آنها ظهور کرده و مسائل توحیدی را در عالی ترین شکل خود غور و بررسی نموده اند امروز افرادی یافت می شوند که تازه می خواهند درس توحید را از امثال ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب فراگیرند.

[۲] بقره / ۴۸و ۱۲۳.

[۳] نجم / ۳۹.

[۴] فتح / ۲۳.

[۵] بحار الانوار چاپ کمپانی ج ۹ ص ۵۰۳.

[۶] نهج البلاغه نامه ۴۱.

[۷] نفس المهموم ص ۴۵.

[۸] بحار الانوار ج ۸ ص ۳۴ و ۶۲.

[۹] اسراء / ۷۱.]

[۱۰] هود / ۹۸.

[۱۱] بقره / ۲۶.

[۱۲] تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۲.

[۱۳] انبیاء / ۱۰۱.

[۱۴] بحار الانوار چاپ کمپانی ج ۲ ص ۸۸.

[۱۵] انعم / ۱۶.

[۱۶] شرح ابن ابی الحدید ج ۲ ص ۸۶۳.

[۱۷] المیزان ج ۱۸ ذیل تفسیر سوره مبارکه محمد (ص).

[۱۸] نساء

/ ۱۱۶.

[۱۹] غافر / ۷.

[۲۰] انبیاء / ۲۸.

[۲۱] زمر / ۴۴.

[۲۲] مائده / ۳۵.

[۲۳] نساء / ۶۴.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آيا كسانى كه مى‌دانند و كسانى كه نمى‌دانند يكسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان



برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

